

مسائل فرهنگی اجتماعی مشارکت زنان سرپرست خانوار بر مبنای عضویت در سازمان‌های حمایتی^۱

(از صفحه ۸۵ تا ۱۱۰)

مهرداد نوابخش*

نرگس مولایی**

تاریخ دریافت: ۱۹/۶/۶

تاریخ پذیرش: ۱۹/۸/۱۵

چکیده:

لزوم نیل به توسعه پایدار یکی از نیازهای ضروری در جامعه امروز ایران است و در این راستا توسعه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه بیان‌گر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و توانمندی انسان‌ها است. بنابراین از یک سو، با توجه به ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی زنان که جزو لاینفکی از این فرآیند تعریف شده است و با توجه به افزایش روند رو به رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار در طی سال‌های اخیر نیازمند نگاه ویژه به مسایل و مشکلات این قشر می‌باشیم، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی وضعیت، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام (زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی) انجام شده است. این پژوهش به شیوه پیمایشی و به وسیله پرسش‌نامه و مصاحبه در بین ۳۷۱ نفر از زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است، که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زنان سرپرست خانوار در این استان به لحاظ اشتغال و تحصیلات فرزندانشان مشکل نداشته ولی دارای مشکلات اقتصادی، اجتماعی همچون بی‌سوادی، تحصیلات پایین، عدم رفاه و کمبود وسایل امکانات زندگی، سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و پایین شهر هستند.

کلید واژه‌ها: زنان سرپرست خانوار، بی‌سرپرستی، شهر ایلام، مشارکت، فرهنگی - اقتصادی.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

mehrdad_Navabakhsh@yahoo.com

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک و دانش‌جوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

در اغلب جوامع مردان سرپرست خانواده عمدتاً نقش اقتصادی حمایتی خانواده را بر عهده دارند و در مقابل آن کارهای خانه و اداره امور آن به زنان خانواده محول می‌شود. در حالی که زنان سرپرست خانواده علاوه بر وظایف مادری و تربیت فرزندان نگهداری و مراقبت از آنان و اداره امور خانه، نقش اقتصادی خانواده را نیز برعهده دارند و بدین جهت برای تأمین معاش خانواده ملزم به اشتغال می‌باشند. (فوگل، ۱۹۹۹: ۶). بنابراین مسایل و مشکلات آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار بیشتر می‌شود. با این که عده‌ای معتقدند: ساختار صنعتی به نفع وضعیت شخصی زنان بوده و نرخ اشتغال آنان را افزایش داده است اما این مساله درباره زن سرپرست خانوار صحت ندارد زنان سرپرست خانوار همچنان از نرخ بالای بی‌کاری و فقر در رنج‌اند و فرزندان آنان نیز بیشترین میزان فقر و محرومیت را تجربه می‌کنند، به طوری که ۸۱٪ از بچه‌هایی که در خانواده‌هایی با سرپرست زن به سر می‌برند زیر خط فقر هستند. (خسروی، ۱۳۸۰: ۷۶) این زنان فرصت کمی برای اشتغال و کار دارند، نرخ مشارکت آنان به طور متوسط ۵۰٪ مردان است حتی زمانی که زنان کاری پیدا می‌کنند حقوق و دست‌مزدشان خیلی کم است متوسط درآمد زنان فقط ۵۱٪ مردان است. زنان به طور وسیعی از قدرت تصمیم‌گیری محرومند و آنها ۷٪ مشاغل مدیریتی را به عهده دارند و با این‌که از نظر انطباقی متعهد و آنها نسبت به مردان بهتر عمل می‌کنند برای انتخاب در مسایل سطح بالا بیشتر مردان را انتخاب می‌کنند (نجف‌آبادی، ۱۳۸۰: ۵۰).

با توجه به نقش‌های مورد انتظار از زنان و مردان به نظر می‌رسد نوع و میزان فشاری که زنان سرپرست خانواده (زنان مطلقه، بیوه، و زنان دارای همسر معتاد) نسبت به سایرین تجربه می‌کنند بسیار متفاوت از تجربه مردان می‌باشد. چرا که زنان سرپرست خانواده، علاوه بر داشتن چند نقش مختلف به طور هم‌زمان مانند اداره امور خانه و مراقبت از فرزندان به تنهایی و کار در خارج از خانه با دستمزد کمتر و مراقبت‌های روحی از اعضای خانواده بایستی با نگرش‌ها و هنجارهایی که در فرهنگ‌های مختلف با زنان بیوه یا مطلقه و... صورت می‌گیرد و آنان را از بسیاری خدمات اجتماعی محروم می‌کند، سازگار شوند و این باعث می‌شود که فشار جمعی و روانی بیشتری را تجربه کنند. زنان سرپرست خانواده، روزانه فشارهای زیادی را تحمل می‌کنند به ویژه اگر سعی کنند به شغل خود به

اندازه کارهای خانه و مراقبت از فرزندان اهمیت بدهند. و چنانچه از منبع حمایتی خانواده و اجتماع برخوردار نباشند. مجبورند به تنهایی بار همه مشکلات را به دوش کشیده و در نتیجه میزان آسیب پذیری آنان در مقابل مشکلات افزایش می یابد.

به طور کلی ۳۷٪ خانواده های جهان را زنان سرپرستی می کنند و این رقم به دلایل متعددی (بالا رفتن میزان طلاق، مرگ و میر، و مهاجرت داخلی و خارجی مردان) در حال افزایش است به عنوان نمونه در ایران براساس اعلام آمار مرکز امور زنان و خانواده یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار زن سرپرست خانوار در کشور زندگی می کنند که به طور متوسط ۶ هزار نفر نیز سالانه به تعدادشان افزوده می شود. البته ذکر این نکته هم ضروری است که برخی مسایل سبب کم شماری زنان سرپرست خانوار نیز می شود به عنوان نمونه در برخی خانواده ها سرپرست مرد غیر فعال و بدون درآمد است و عملاً تامین خانواده بر عهده زن است ولی در سرشماری این خانواده، مرد، سرپرست معرفی می گردد، یا در برخی موارد وجود مرد معتاد یا بزه کار که عملاً نقش سرپرست خانواده، و تامین معاش و هزینه از او سلب می گردد، علاوه بر هزینه های گزاف صرف اعتیاد و... امرار معاش و هزینه مخارج زندگی نیز به عهده زن می شود ولی او به عنوان سرپرست محسوب نمی شود و یا در مورد زنانی که بر اثر طلاق یا فوت همسر، سرپرست خانواده را از دست می دهند و به دلیل نگرش های سنتی و اجتماعی به منزل پدری بازگشته و مفهوم سرپرست خانواده در مورد آنان صدق نمی کند (محتشمی، ایسنا، ۱۳۸۴).

بنابراین اگر به این گروه از زنان توجه نشود به مرور موجبات طرد آنها از جامعه فراهم شده از یک سو مشکلات عدیده ای همچون روی آوردن به جرم و فساد و از سوی دیگر ایجاد انحراف، و اختلال در تربیت نیروهای فعال و جوان جامعه و افزایش تعداد خانواده های ناآرام و شیوع اختلالات روحی، روانی و جسمی در اعضای خانواده و در نهایت گسترش فقر مادی و فرهنگی در جامعه می شود.

در نتیجه وجود سازمان ها و نهادهایی که مسئولیت بررسی مشکلات و حمایت از این قشر را به عهده داشته باشند لازم و ضروری است. به ویژه در استان ایلام که با توجه به محرومیت این استان مشکلات این قشر از زنان دو چندان شده و تأثیرات منفی را بر پیکره این اجتماع به دنبال دارد. بنابراین بررسی مشکلات این قشر از زنان محور مطالعاتی این پژوهش است.

مبانی نظری

وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و کودکانشان مورد توجه و بررسی اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته در این راستا می‌توان به سه دسته از نظریات اشاره نمود:

۱- نظریات مربوط به سیاست‌های توسعه اجتماعی که به زنان به عنوان یکی از مقوله‌های توسعه به طور اخص پرداخته‌اند. ۲- نظریاتی که تمامی مسایل مربوط به زنان را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند که خود شامل چهار نظریه عمده است: ۱- لیبرال/اصلاح طلب، ۲- رادیکال/انقلابی، ۳- مارکسیستی، ۴- سوسیالیستی، ۳- نظریه‌هایی که به مسایل مربوط به زنان سرپرست خانوار را به طور اخص توجه دارند که البته از درون نظریه‌های کلی‌تر در مورد زنان مطرح شده است مانند ۱- نظریه زنانه شدن فقر ۲- نظریه ساختی کارکردی ۳- نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت‌ها ۴- نظریه کنش.

چارچوب نظری

برای ترسیم چارچوب علمی بحث نظریه‌های مربوط به زنان سرپرست خانوار را شرح می‌دهیم.

نظریه زنانه شدن فقر

براساس این نظریه خانواده‌های زن سرپرست در همه کشورهای جهان گسترش یافته و روز به روز بر تعداد خانواده‌های زن سرپرست که در جمعیت کم درآمد قرار می‌گیرند افزوده می‌شود این مساله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند دیده شده است. در این کشورها به رغم کمک‌های دولتی، فرایند فقیر شدن زنان همچنان ادامه دارد. براساس این نظریه از دیگر مشخصات خانواده‌های زن سرپرست می‌توان به عدم دسترسی این گروه به مشاغل با منزلت اشاره نمود به عبارت دیگر این زنان یا بی‌کارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای نیمه وقت رسمی و کم درآمد هستند. مشکل دیگری که به میزان آسیب‌پذیری آنان می‌افزاید حتی اگر در مشاغل با منزلت مشغول به کار باشند مساله تنظیم برای انجام کار خانگی و کار بیرون از خانه است که صاحب‌ظران این دیدگاه آن را اصطلاحاً فقر زمانی نامیده‌اند، هنگامی که این فقر با فقر مادی همراه شود این گروه را آسیب‌پذیر می‌کند. به طور کلی بنابر این دیدگاه می‌توان شرایط حاکم بر زندگی این

خانواده‌ها را شامل ۱- دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی ۲- سطوح پایین‌تر سواد در بین این زنان و فرزندان‌شان ۳- دستمزدهای پایین‌تر ۴- درصد بالای افت تحصیلی و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان ۵- فقر زمانی برای زنان شاغل تمام وقت .

نظریه ساختی کارکردی

براساس این نظریه خانواده‌های زن سرپرست با شکل طبیعی و سنتی خانواده‌ها در تضادند، در واقع پیدایش این گروه از خانواده‌ها نوعی انحراف محسوب می‌شود. (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۸۰). چرا که در هر ساخت اجتماعی اجزا یا عناصر آن باید از عهده وظیفه و کارکرد خود به خوبی برآیند. در واقع اگر کلیه ساخت‌های اجتماعی در درون سیستم با یکدیگر با هماهنگی و هم‌ساز عمل کنند سیستم در حالت متعادل قرار دارد (نوابخش، ۱۳۸۸: ۵۸). و این در حالی است که در این خانواده‌ها به علت غیبت پدر (عدم زندگانی زوجین) شانس زندگی کودکان تا حد زیادی کاهش می‌یابد و عدم اقتدار پدر برای ساماندهی، زندگی خانوادگی را با بحران مواجه می‌کند بحرانی که با ورود به بازار کار به جای کارهای خانه و تربیت مناسب کودکان به افت تحصیلی و بزه‌کاری و مشکلات دیگر ختم می‌شود. (گیدنز، ۱۳۷۲: ۲۴۱). براساس این نظریه (طبقه زیرین) از افراد منزوی تشکیل شده که در «محلات غیر سازمان یافته» ساکن هستند و حضور خانواده‌های زن سرپرست در چنین محلاتی شایع است. تفاوت این نظریه با نظریه قبلی (زنانه شدن فقر) در این است که علت آسیب‌پذیری کودکان و زنان در مورد اول تبیین جنسیتی بود ولی در این دیدگاه از بین رفتن شکل طبیعی زندگی خانوادگی (هسته‌ای دو زوجی) است.

نظریه کنش

برخلاف نظریات قبلی که جنبه ساختاری و کلی داشتند طرفداران نظریه کنش از جنبه‌ای دیگر به طرح مساله پرداختند آنها معتقدند اگرچه خانواده‌های زن سرپرست مشکلات عدیده‌ای دارند (تحصیلات کم - تبعیض در بازار و...) ولی این مساله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق شوند در واقع این زنان را نمی‌توان قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست، به عقیده طرفداران این نظریه شواهدی که از نزدیک موقعیت زندگی زنان سرپرست خانوار را

می‌سجد نشان می‌دهد که اطلاق لفظ آسیب‌پذیر به این گروه به طور مطلق و فراگیر درست نیست زیرا به این ترتیب واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود.

نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت‌ها

در این نظریه عنوان می‌گردد که فقر و آسیب‌پذیری مقوله‌ای طبقاتی است نه جنسیتی بر مبنای این نظریه تمام زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده‌های پایین اجتماع قرار می‌گیرند بیشتر در معرض آسیب هستند در واقع آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار به دلیل فرایند سیاسی - اجتماعی - اقتصادی مشترکی است که همگی آنها را از دسترسی به شرایط مناسب حیات محروم می‌دارد. و علت اصلی آن را نظام اقتصادی نابرابر می‌دانند.

بنابراین با توجه به نظریه قشربندی که مبتنی بر آن هر چه جوامع در کنش و واکنش طبقات اجتماعی قرار گیرند، آسیب‌پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. حال در این بین وضعیت زنان بسیار سخت‌تر و بعضاً خطرناک‌تر نیز می‌شود. چون هم تحت تاثیر تبعیض طبقات اجتماعی قرار گیرند و هم به صورت مضاعف به ویژه در قشرهای پایین‌تر اجتماعی از شانس‌های کمتری نسبت به مردان برخوردارند و این امر مطمئناً در فرآیند آسیب‌پذیری آنان در کنش‌های اجتماعی بسیار مؤثر است.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- اغلب زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلات پایین می‌باشند.
- ۲- اغلب کودکان زنان سرپرست خانوار در معرض کم سواد و ترک تحصیل قرار دارند.
- ۳- اغلب زنان سرپرست خانوار از امکانات و وسایل زندگی محدودی برخوردارند.
- ۴- فرزندان زنان سرپرست خانوار در معرض بزه‌کاری هستند.
- ۵- اغلب زنان سرپرست خانوار در محله‌های حاشیه‌ای و پایین شهر سکونت دارند.
- ۶- اغلب زنان سرپرست خانوار در مشاغل حاشیه‌ای و غیررسمی اشتغال دارند.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بود. و برای گردآوری اطلاعات از روش پرسشنامه توأم با مصاحبه استفاده شده است پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و کدگذاری پاسخ‌های پاسخ‌گویان با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS داده‌های تحقیق مورد پردازش قرار گرفته با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی داده‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش زنان بی‌سرپرست تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی استان ایلام هستند و معمولاً ضعیف‌ترین قشر تحت پوشش این دو نهاد قرار می‌گیرند این جامعه آماری شامل ۱۰۴۴۸ نفر است که از فرمول کوکران تعداد ۳۷۱ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از شیوه سهمیه‌ای تصادفی افراد نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مسایل و مشکلات زنان سرپرست خانواده

الف - مسایل اقتصادی اجتماعی

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که در جامعه از مشکلات عدیده‌ای (اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و روانی و...) رنج می‌برند که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

وجود تعارضات خانوادگی - احساس ناامنی در جامعه و عدم امنیت، کمبود تجربه و عدم مهارت، بی‌سوادی یا کم سوادی، عدم برخورداری از بیمه و حمایت‌های اجتماعی. نداشتن شغل و یا برخورداری از مشاغل نامناسب (به لحاظ درآمد و منزلت شغلی) دستمزد کم و ناچیز، فقر، ترس و نگرانی از آینده مبهم و نامعلوم، ناتوانی در تهیه مسکن مناسب - سکونت در محله‌های نامناسب.

ب - مسایل روحی - روانی

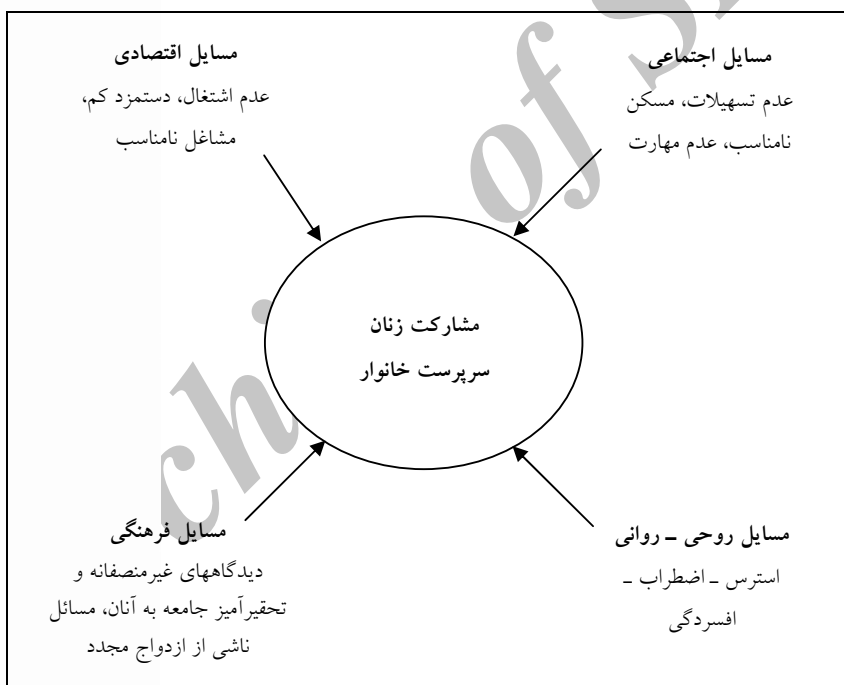
این دسته از زنان به دلیل داشتن چند نقش مختلف به طور همزمان مانند اداره امور خانه، تربیت و مراقبت از فرزندان به تنهایی و کار خارج از خانه با دستمزد کمتر، استرس

و مسایل و مشکلات روانی بسیاری را تجربه می‌کنند. همان طور که تحقیقات نشان داده‌اند میزان افسردگی، اضطراب انزوا و شکایات جسمانی در میان این قشر بسیار زیاد است. (خسروی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۲).

ج - مسایل فرهنگی

با عنایت به نقش توسعه فرهنگی در بروز تحولات گسترده و زیربنایی در کلیه ابعاد اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه و همچنین نقش زنان که به عنوان نیمی از نیروی انسانی در سرعت بخشیدن به فرایند توسعه و ساخت بهینه‌ی ساز و کار جامعه آتی می‌باشند بررسی مشکلات فرهنگی آنان به ویژه زنان سرپرست خانوار که علاوه بر ایفای نقش‌های متعددی مانند اداره و انجام امور منزل و مراقبت‌های جمعی و روحی از اعضای خانواده، در جوامع و فرهنگ‌های مختلف نیز بسته به باورها نگرش و هنجارهای جامعه با آنها به شیوه‌های نامطلوبی برخورد می‌شود، لازم و ضروری است چرا که در بسیاری از فرهنگ‌ها جایگاه این قشر به خوبی تعریف نشده است متأسفانه در فرهنگ اسلامی جامعه نیز به زنان سرپرست خانواده آن طور که اسلام خواسته نگاه نمی‌شود و زنان در ظلم و ستمی مضاعف به سر می‌برند. از سویی مسئولیت خانواده که ارتباط تنگاتنگی با مسئولیت‌های اجتماعی برقرار می‌کند، آن‌ها را در فشارهای مضاعفی قرار می‌دهد و این در حالی است که جامعه هنوز در ساختار فرهنگی به سر می‌برد که به آنان اجازه حضور مستقیم در جامعه را نمی‌دهد و هرگونه ارتباط در دایره محیط اجتماعی انگشت اتهام و بهتان را به سوی آنان به دنبال دارد همچنین دیدگاه‌های غیرمنصفانه جامعه نسبت به زنان فاقد همسر، اطلاق کلماتی نظیر مطلقه یا بیوه، از مواردی است که حقارت، ترس، خجالت، و درماندگی و رنج این زنان را دو چندان می‌نماید یکی دیگر از مشکلات فرهنگی که این قشر با آن روبرو هستند مساله ازدواج مجدد است، هنوز هم در برخی مناطق ازدواج مجدد زنان به سبب عواملی چون فشارهای فرزندان- خانواده شوهر و حتی خانواده زنان و در یک کلمه فرهنگ نادرست نه تنها جرم بلکه گناه نابخشودنی به شمار می‌رود نیاز طبیعی به همسر همان اندازه که مردان را رنج می‌دهد بر زنان نیز فشار می‌آورد زیرا مسئولیت دو چندان مدیریت مسایل داخلی و بیرونی خانواده به عنوان سرپرست برای زنان دشوارتر از مردان است. بسیاری از زنان سرپرست خانواده به سبب فشارهای فرهنگی ناچارند یا با

فرهنگ عدم حضور در جامعه بجنگد و یا آنکه به گوشه نشینی و عزلت روی آورند که هر دو صورت این خانواده است که به شدت آسیب می بیند. از دیگر مشکلات فرهنگی زنان سرپرست خانوار می توان به عدم ارایه خدمات آموزشی، مشاوره ای- کاریابی، عدم دسترسی به کالا های فرهنگی، فراغت نامناسب، عدم قوانین و مقررات مناسب و حمایتی در خصوص حقوق فرهنگی اجتماعی اقتصادی زنان و... که تمامی این عوامل مانع فعالیت و مشارکت اجتماعی این قشر از جامعه می شود و این ها همه در حالی است که قوانین اسلام به گونه ای تنظیم شده است که هر انسانی ضمن دستیابی و پاسخ گویی به نیازهای مختلف بتواند در مسیر تعالی فردی و جمعی بکوشد.



مدل شماره ۱: مدل مفهومی الگویی مشارکت فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار

تاریخچه اجتماعی فرهنگی حمایت از بی‌سرپرستان در ایران

فلسفه زیر ساخت مسایل اجتماعی مربوط به خدمات رفاه و تأمین اجتماعی جایگاهی مشخص و معتبر در فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران دارد و بنابراین شاخه و برگ کنونی درخت خدمات انسانی بر تنه استوار و ریشه عمیق اعتقادات، باورها و جهان‌بینی و تصورات دیرین قرار گرفته است (خاکساری، ۱۳۷۲: ۲۸). در اصول اخلاقی دین زرتشت آمده که صدقه ملکوت الهی را پیش می‌برد، همچنین جای دیگری می‌گوید: ای مزدا خواهش از شما این است که درماندگان و بیچارگان را دست گیرید. (موسوی، ملک، ۱۳۸۳: ۱۳). در ایران پس از اسلام با توجه به این که برخورد اسلام با خدمات اجتماعی و انسانی به همنوع از مرز نصیحت فراتر رفته و در چارچوب قوانین مشخص و تکالیف شرعی می‌باشد موجب شده است ایرانیان در طول تاریخ کمک به نیازمندان را امری مقدس به حساب آورند. (زاهدی، ۱۳۷۷: ۲۰) چنان‌که نهاد وقف در دوران حکومت سلجوقیان و صفویان از توجه و گسترش زیادی برخوردار شده و توجه برنامه‌ریزی شده به مشکلات اقشار نیازمند نیز از دوران قاجار و با تماس غرب آغاز شد. پس از آن با استقرار نظام مشروطه در ایران و تدوین قانون اساسی زمینه‌های عملی و علمی توجه به محرومان فراهم شد در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی اولین مقررات برای حمایت از کارکنان در برابر پیری، فوت و از کارافتادگی به تصویب رسید. (زاهدی، ۱۳۷۷: ۴۴-۲۳) و برای نخستین بار در برنامه عمرانی چهارم کشور بخش مستقلی به رفاه اجتماعی اختصاص یافت در اولین سال برنامه، عمرانی پنجم کشور وزارت رفاه اجتماعی تاسیس شد تا کلیه امور مربوط به خدمات اجتماعی و رفاهی را در سطح کشور ساماندهی و هماهنگ کند پس از آن طرح حمایت از خانواده‌هایی که مرد خود را از دست داده بودند توسط کارشناسان سازمان زنان و سازمان برنامه و بودجه تهیه و تیرماه ۱۳۵۲ در سه شهر تهران، همدان، و کرمان مورد اجرا درآمد که این طرح در سال‌های بعد گسترش بیشتری یافت و شهرهای دیگری را نیز شامل شد در همان سال وزارت رفاه که بعدها به وزارت بهداشتی ملحق شد تأمین حداقل هزینه زندگی خانواده‌های بیمه نشده کم درآمد که نان‌آور خود را از دست داده بودند را عهده‌دار شد. (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۷). پس از انقلاب نیز با ادغام ده‌ها مرکز رفاهی و معاونت امور بهزیستی که یکی از متولیان اصلی در امور زنان بی‌سرپرست است ایجاد شد

همچنین و با توجه به ضرورت‌های پس از انقلاب سازمان‌های جدید خدمات اجتماعی تشکیل شدند که می‌توان از جمله آن به کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید، بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی، بنیاد پانزده خرداد، بنیاد مستضعفان، جمعیت هلال احمر را نام برد که در کنار سازمان بهزیستی مسئولیت حمایت از زنان سرپرست خانوار را به عهده دارند.

بی‌سرپرستی در ایران و استان ایلام براساس شاخص‌های توسعه انسانی

شاخص‌های توسعه انسانی (HOI) متوسط دست آوردهای یک کشور را در سه بعد اساسی توسعه انسانی یعنی (برخورداری از یک زندگی آبرومندانه) اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، شاخصی است مرکب و سه متغیر را شامل می‌شود: ۱- امید به زندگی در زمان ولادت، ۲- پیشرفت تحصیلی، ۳- تولید ناخالص داخلی سرانه.

شاخص توسعه مرتبط با جنسیت (GDI) پیشرفت‌های به دست آمده در همان ابعاد را با استفاده از همان متغیرهایی که در شاخص توسعه انسان‌ها به کار می‌روند اندازه‌گیری می‌کنند. هرچه نابرابری جنسیتی یک کشور در زمینه توسعه انسانی پایه‌ای بیشتر باشد به همان نسبت سطح (GDI) در قیاس با (HDI) (شاخصی که محرومیت را در زمینه توسعه انسانی اندازه‌گیری می‌کنند) در آن کشور پایین‌تر خواهد بود. متغیرهایی را که به عنوان شاخص محرومیت در نظر می‌گیرند عبارتند از:

- ۱- درصد متولدین که انتظار می‌رود به سن ۴۰ سالگی نرسیده‌اند.
- ۲- درصد بزرگسالان بی‌سواد و محروم از بابت تأمین اقتصاد کلی (عمومی و خصوصی). برحسب درصد مردم فاقد دسترسی به خدمات بهداشتی، آب سالم و درصد کودکان کم وزن، حال نسبت زنان سرپرست خانوار را که به عنوان یکی از نماگرهای شاخص توسعه انسانی (HDI) و شاخص مرتبط با جنسیت (GDI) می‌توان نام برد. (بررسی آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، ۱۳۸۰، ۸-۴). براساس آخرین آمار دفتر مطالعات امور زنان و خانواده در سال ۱۳۸۷ یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار خانوار زن سرپرست در ایران وجود دارد که آنها زیر خط فقر می‌باشند و مشکلات‌های فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند. همچنین نسبت زنان سرپرست خانوار در استان ایلام با

توجه به شاخص‌های توسعه انسانی ۴/۷٪ می‌باشد که این شاخص از بیشترین نمره کشوری هم بیشتر است.

در استان ایلام ۲۵۲۴ خانوار مستمرگیر فاقد همسر و بی‌سرپرست تحت پوشش سازمان بهزیستی می‌باشند که از این تعداد ۱۴۸۰ مورد آنان زنان خود سرپرست هستند که شامل خانواده‌های دو تا پنج نفره و بیشتر می‌باشند. تعداد زنان بی‌سرپرست تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) زیر ۶۰ سال ۵۷۱۸ نفر می‌باشند که افراد تحت تکفل آنها ۱۵۵۸۹ نفر می‌باشند. تعداد زنان بی‌سرپرست بالای ۶۰ سال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی نیز (طرح شهید رجایی) ۳۲۵۰ و افراد تحت تکفل آنها ۴۳۱۲ نفر می‌باشند. (معاونت امور اجتماعی و بهزیستی استان ایلام، ۱۳۸۵).

یافته‌های تحقیق

در این بخش برخی نتایج قابل توجه که از آمار توصیفی تحقیق به دست آمده اشاره می‌شود که عبارتند از: ۶۷/۵ درصد زنان علت ترک تحصیل فرزندشان را نداشتن هزینه تحصیلی ذکر کردند. ۹۰ درصد از زنان علت بی‌سرپرستی‌شان را فوت همسر می‌باشد. ۸۵ درصد از زنان کسب درآمد از طریق کمیته امداد و یا سازمان بهزیستی را در اولویت سوم خود قرار دادند. ۷۸ درصد از زنان تصمیم به ازدواج مجدد ندارند و علت آن در سرپرست بودن خود و مشکلات خانوادگی و فرهنگی دانستند. ۷۶/۲ درصد از پاسخ‌گویان تعداد فرزندانشان بین ۱-۲ و ۲۴/۱ درصد آنها بین ۴-۷ فرزند بوده است.

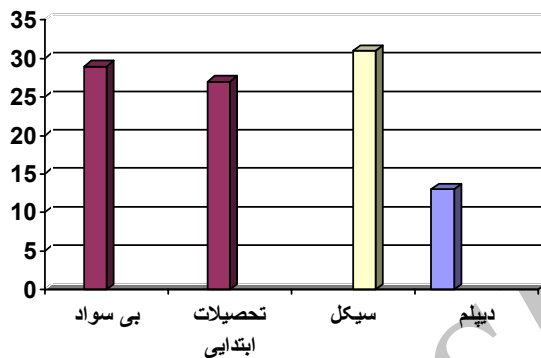
در بررسی فرضیه اول جدول زیر نشان می‌دهد (چارچوب نظری در بحث زنانه شدن فقر در کشور اغلب زنان سرپرست خانوار در معرض کم‌سواد می‌باشند و این مورد در بین زنان سرپرست خانوار در شهر ایلام هم صادق می‌باشد و این در حالی است که تجربه مطالعات نشان داده که تحصیلات مادران آثار پایا و گسترده‌ای بر پیشرفت کیفی فرزندان (استراوس و بیگل، ۱۹۹۶: ۱۶۰) و همچنین بهداشت جسمی و روحی آنها دارد (Foster, 2000, 49).

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی ویژگی‌های تحصیلی زنان سرپرست

	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	جمع کل	
	بلی	
فراوانی بی سواد میزان تحصیلات	۲۹	۲۹
درصد/ میزان تحصیلات	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	%۲۹,۰	%۲۹,۰
فراوانی تحصیلات ابتدایی	۲۷	۲۷
درصد/ میزان تحصیلات	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	%۲۷,۰	%۲۷,۰
فراوانی سیکل	۳۱	۳۱
درصد/ میزان تحصیلات	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	%۳۱,۰	%۳۱,۰
فراوانی دیپلم	۱۳	۱۳
درصد/ میزان تحصیلات	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	%۱۳,۰	%۱۳,۰
فراوانی جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
درصد/ میزان تحصیلات	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰

جدول مجذور خی دو شماره ۱

	95% Confidence Interval Difference				سطح معناداری	
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف ها	سطح پائین / سطح بالا		
				سطح پائین		سطح بالا
میزان تحصیلات	۱/۲۸	۱/۰۲۶	۱۰۳	۱/۰۸	۱/۴۸	۰۰۰



نمودار شماره ۱: سطح تحصیلات

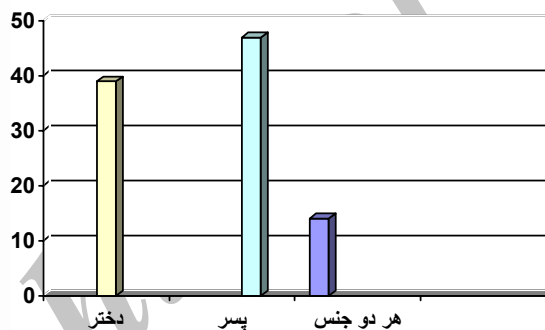
جدول شماره ۲: وضعیت تحصیلی کودکان زنان سرپرست خانوار

	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	پلی	جمع کل
فراوانی دختر ترک تحصیل فرزندان	۳۹	۳۹
درصد/ ترک تحصیل	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۳۹,۰	٪۳۹,۰
فراوانی پسر	۴۷	۴۷
درصد/ ترک تحصیل	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۴۷,۰	٪۴۷,۰
فراوانی هر دو جنس	۱۴	۱۴
درصد/ ترک تحصیل	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۴,۰	٪۱۴,۰
فراوانی دیپلم	۱۳	۱۳
درصد/ میزان تحصیلات	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان سرپرست خانوار	٪۱۳,۰	٪۱۳,۰
فراوانی جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
درصد/ ترک تحصیل	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰

جدول مجذور خی دو شماره ۲

	95% Confidence Interval of the Difference					سطح معناداری
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف ها	سطح بالا		
				سطح پایین	سطح بالا	
ترک تحصیل	.۷۵	۶۸۷,	۰.۶۹,	۶۱,	۱۹,	۰.۰۰

با توجه به جدول فوق که فرضیه شماره «۲» را سنجیده است و میزان $\chi^2 = 0/687$ که در سطح $\alpha = 5\%$ معنادار نمی باشد، نشان از عدم تأیید فرضیه شماره «۲» می باشد.



نمودار شماره ۲

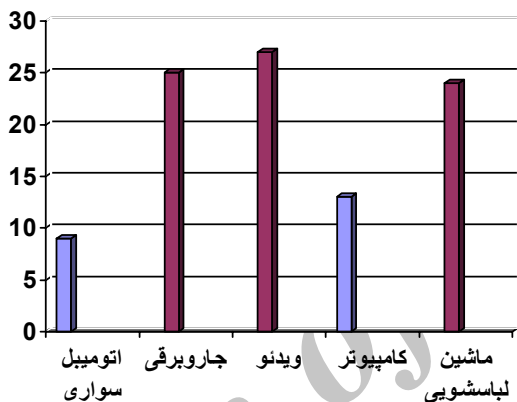
جدول شماره ۳

	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	بلی	جمع کل
فراوانی اتومبیل سواری وسایل زندگی	۹	۹
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۹,۱	٪۹,۱
فراوانی جاروبرقی	۲۵	۲۵
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۵,۳	٪۲۵,۳
فراوانی ویدئو	۲۷	۲۷
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۷,۳	٪۲۷,۳
فراوانی کامپیوتر	۱۳	۱۳
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۳,۱	٪۱۳,۱
فراوانی ماشین لباسشویی	۲۴	۲۴
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۴,۲	٪۲۴,۲
فراوانی جمع کل	۹۹	۹۹
درصد/ وسایل زندگی	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰

جدول مجذور خی دو شماره ۳

	95% Confidence Interval of the Difference					سطح معناداری
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف ها	سطح	سطح بالا	
				پایین		
میزان درآمد	-۱,۰۳	۹۳۷,	۰۹۴,	-۱,۲۲	-۰۸۴	۰۰۰

با توجه به جدول فوق که فرضیه شماره «۳» را سنجیده است و میزان $x^2 = 1/335$ که در سطح $\alpha = 5\%$ معنادار می‌باشد، می‌توان مطرح نمود که اغلب زنان سرپرست خانوار از امکانات بسیار محدودی برای زندگی برخوردارند و این نشان از فقر و آسیب پذیری این قشر دارد.



نمودار شماره ۳

جدول شماره ۴

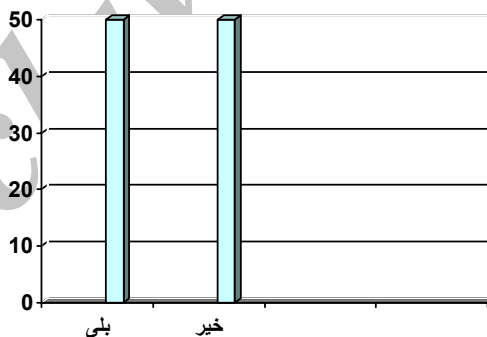
	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	بلی	جمع کل
فراوانی بلی اعمال خلاف قانون	۵۰	۵۰
درصد/ اعمال خلاف قانون	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۵۰,۰	٪۵۰,۰
فراوانی پسر	۵۰	۵۰
درصد/ اعمال خلاف قانون	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۵۰,۰	٪۵۰,۰
فراوانی جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
درصد/ اعمال خلاف قانون	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰

با توجه به جدول فوق می‌توان مطرح نمود که از مجموعه ۱۰۰ درصد جامعه آماری نمونه (۵۰ نفر) یعنی، ۵۰٪ درصد از زنان سرپرست خانوار فرزندان‌شان دست به بزه‌کاری و اعمال خلاف قانون زده اند و این در حالی است که (۵۰ نفر) یعنی، ۵۰٪ درصد از زنان سرپرست خانوار فرزندان‌شان دست به بزه‌کاری و اعمال خلاف قانون زده اند.

جدول مجذور خی دو شماره ۴

	95% Confidence Interval of the Difference				سطح معناداری	
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف‌ها	95% Confidence Interval of the Difference		
				سطح بالا		سطح پایین
اعمال خلاف قانون	۰.۵۰	۵۰۳,	۰۵۰,	۴۰,	۶۰,	۰۰۰

با توجه به جدول فوق که فرضیه شماره «۳» را سنجیده است و میزان $\chi^2 = 0/503$ که در سطح $\alpha = 5\%$ معنادر نمی‌باشد، می‌توان مطرح نمود که بین ترک تحصیل فرزندان و زنان سرپرست خانوار رابطه‌ای وجود ندارد که به معنای عدم تأیید فرضیه شماره «۳» است.



نمودار شماره ۴

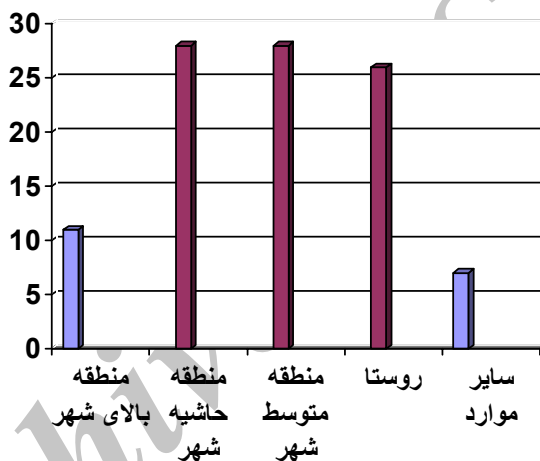
جدول شماره ۵

	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	بلی	جمع کل
فراوانی منطقه بالای شهر منطقه محل سکونت درصد/ منطقه محل سکونت	۱۱ ٪۱۰۰,۰	۱۱ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۱,۰	٪۱۱,۰
فراوانی منطقه حاشیه شهر درصد/ منطقه محل سکونت	۲۸ ٪۱۰۰,۰	۲۸ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۸,۰	٪۲۸,۰
فراوانی منطقه متوسط شهر درصد/ منطقه محل سکونت	۲۸ ٪۱۰۰,۰	۲۸ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۸,۰	٪۲۸,۰
فراوانی روستا درصد/ منطقه محل سکونت	۲۶ ٪۱۰۰,۰	۲۶ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۲۶,۰	٪۲۶,۰
فراوانی سایر موارد درصد/ منطقه محل سکونت	۷ ٪۱۰۰,۰	۷ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۷,۰	٪۷,۰
فراوانی جمع کل درصد/ منطقه محل سکونت	۱۰۰ ٪۱۰۰,۰	۱۰۰ ٪۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	٪۱۰۰,۰	٪۱۰۰,۰

جدول مجذور خی دو شماره ۵

	95% Confidence Interval of the Difference					سطح معناداری
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف ها	سطح پائین		
				سطح بالا	سطح پایین	
منطقه محل سکونت	-۱,۹۰	۱,۱۲۴	۱۱۲,	-۲,۱۲	-۱,۶۸	۰۰۰

همان گونه که در چارچوب نظری ذکر شد اغلب زنان سرپرست خانوار در محله های نامناسب و حاشیه ای سکونت دارند در این تحقیق با توجه به جدول فوق با توجه به جدول، که فرضیه شماره «۵» را سنجیده است و میزان $\chi^2 = 1/124$ که در سطح $\alpha = 5\%$ معنادار می باشد، رابطه فوق صادق است می توان مطرح نمود که بین منطقه محل سکونت و زنان سرپرست خانوار رابطه ای وجود دارد که به معنای تأیید فرضیه شماره «۵» است.



نمودار شماره ۵

جدول شماره ۶

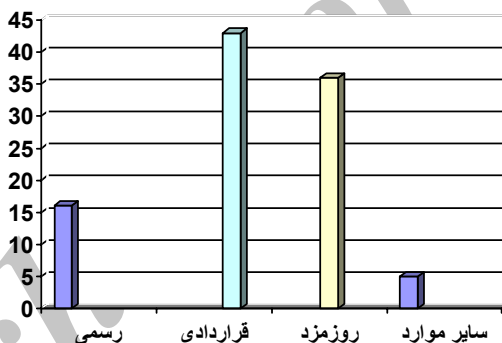
	آیا شما جزء زنان بی سرپرست هستید؟	
	بلی	جمع کل
فراوانی رسمی اشتغال	۱۶	۱۶
درصد/ اشتغال	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	%۱۶,۰	%۱۶,۰
فراوانی قراردادی	۴۳	۴۳
درصد/ اشتغال	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	%۴۳,۰	%۴۳,۰
فراوانی روزمزد	۳۶	۳۶
درصد/ اشتغال	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	%۳۶,۰	%۳۶,۰
فراوانی سایر موارد	۵	۵
درصد/ اشتغال	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	%۵,۰	%۵,۰
فراوانی جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
درصد/ اشتغال	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد/ زنان بی سرپرست	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰

با توجه به جدول فوق می توان مطرح نمود که از مجموع ۱۰۰ درصد جامعه آماری نمونه (۱۶ نفر) یعنی، ۱۶/۵ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای مشاغل رسمی، (۴۳ نفر) یعنی، ۴۳٪ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای مشاغل قراردادی، (۳۶ نفر) یعنی، ۳۶٪ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای مشاغل روزمزد، (۵ نفر) یعنی، ۵٪ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای سایر موارد از نوع مشاغل هستند.

جدول مجذور خی دو شماره ۶

	95% Confidence Interval of the Difference					سطح معناداری
	میانگین	میزان مجذور خی دو	انحراف از میانگین این انحراف‌ها	سطح بالا		
				سطح پایین	سطح بالا	
اشتغال	۱,۳۰	۷۹۸,	۰۸۰,	۱,۱۴	۱,۴۶	۰۰۰

با توجه به جدول فوق که فرضیه شماره «۶» را سنجیده است و میزان $\chi^2 = 0/789$ که در سطح $\alpha = 5\%$ معنادر نمی‌باشد، می‌توان مطرح نمود که بین وضعیت اشتغال و زنان سرپرست خانوار رابطهای وجود ندارد که به معنای عدم تأیید فرضیه شماره «۶» است.



نمودار شماره ۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان عمده‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار را مشکلات اقتصادی معیشتی دانست که از یک طرف ضریب آسیب‌پذیری فرهنگی و اجتماعی را افزایش می‌دهد و به دنبال آن فرزندان دچار آسیب جدی بیشتری می‌شوند و در نتیجه خسارات جبران‌ناپذیری متوجه خانواده و سپس جامعه می‌شود. در زیر برخی راهکارها جهت حل مشکلات این قشر از زنان پرداخته می‌شود:

- ۱- شناسایی، حمایت و تأمین اقشار زنان آسیب دیده نیازمند به منظور تحقق عدالت اجتماعی.
- ۲- برقراری مستمری کافی برای تأمین مایحتاج برای زنان بیوه سرپرست خانواده یا خود سرپرست نیازمند.
- ۳- ایجاد امکانات شغلی و مشاغل متناسب با سنین مختلف زنان با لحاظ عنوان شرایط خاص خانواده‌های بی سرپرست و با ذوق و استعداد زنان به منظور حل مسایل و نیازهای مالی و معنوی از جمله سرگرمی و پر شدن اوقات فراغت، افزایش اعتماد به نفس، تأمین هزینه زندگی و یا افزایش ذخیره مالی خانواده و بالاخره پدید آمدن نشاط زندگی با گروهی هماهنگ در محیط کار.
- ۴- فرهنگ‌سازی و ترویج ازدواج مجدد زنان بیوه.
- ۵- توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در حرفه‌های مختلف فرهنگی اقتصادی و...
- ۶- لزوم توانمندسازی فرزندان زنان سرپرست خانوار.
- ۷- لزوم شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا به منظور اختصاص وقت کافی برای تربیت فرزندان.
- ۸- لزوم اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی زنان در محیط کار و در عرصه‌های دولتی و غیر دولتی.
- ۹- لزوم شناسایی زنان کارآفرین و زنان شاغل سرپرست خانوار و اولویت در اعطای تسهیلات به آنان.
- ۱۰- ضرورت تأسیس صندوق حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار در جهت ایجاد استقلال و خودکفایی و فعال کردن گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار.
- ۱۱- لزوم اجرای طرح بیمه خاص زنان.
- ۱۲- تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های حمایتی و خدمات‌رسانی به زنان سرپرست خانواده با اهداف کاریابی.
- ۱۳- گذراندن اوقات فراغت و تبادل تجربه و اطلاعات مدیریت بحران‌های خانوادگی.
- ۱۴- اختصاص هزینه عائله‌مندی به زنان سرپرست خانوار.
- ۱۵- در اولویت قرار گرفتن اشتغال زنان سرپرست خانوار (اشتغال این زنان باید به

گونه‌ای باشد و با توجه به مسئولیت تربیت کودکان و عدم امکان سپردن کودکان به مهدکودک و هزینه‌های آن، امکان نظارت و نگهداری فرزندان برای آنها میسر باشد).

۱۶- ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای رایگان برای خانواده‌های زن سرپرست.

۱۷- ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار.

۱۸- ایجاد انگیزه جهت ارتقای دانش و سواد در بین زنان سرپرست خانوار.

۱۹- افزایش آستانه تحمل مشکلات در بین زنان سرپرست خانوار.

منابع

۱- آراسته نور محمد (۱۳۶۹)، نقد و نگرش به فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، تهران: نشر گستر، چاپ اول.

۲- آلمانی، فرنگیس (۱۳۷۱) در کجا ایستاده‌ایم، مجموعه مقالات هم اندیشی - بررسی مسائل و مشکلات زنان (جلد ۱) مدیریت حوزه علمیه خواران - دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ابوالقاسمی (۱۳۷۵) مجموعه مقالات دومین سمینار فقر و فقرزدایی.

۳- آبوت و والاس (۱۳۸۵)، علم جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه عراقی، تهران: بی‌نا.

۴- آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد و توسعه انسانی، (۱۳۸۰) معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها و دفتر نهاد ریاست جمهوری.

۵- آیت‌اللهی وهاجری، زهرا، (۱۳۸۲) بررسی شد بین المللی فنون جهانی زن، کنواسیون رفع متجددین علیه زنان، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ اول.

۶- آیدا کرامی، نیکلاس، استفن هیل، برایان، (۱۹۸۴) فرهنگ جامعه‌شناسی؛ ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپ پخش.

۷- بابایی، ناصر و همکاران (۱۳۶۹) نگرشی بر پدیده بی‌سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

۸- بهنام، جمشید، (۱۲۵۰) ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران: نشر خوارزمی.

۹- بیرو، آلن، (۱۳۷۵) فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم.

۱۰- نجف‌آبادی، نازنین، (۱۳۸۵) بررسی وضعیت اشتغال زنان بیوه استان تهران، پایان نامه کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۱- خاکساری، حسن، (۱۳۷۲) مبانی مددکاری اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی.

۱۲- خسروی، زهره، (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانواده فرصتها و چالشها؛ فصلنامه پژوهش زنان.

- ۱۳- خسروی، زهره، (۱۳۷۹) بررسی مشکلات عاطفی و روانی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، مرکز امور مشارکت زنان.
- ۱۴- دفتر امور زنان اسلامی ایران و یونسف، (۱۳۷۳) نقش زنان در توسعه تهران، تهران: نشر روشنگران.
- ۱۵- دفتر امور زنان آموزش و پرورش (۱۳۸۰)، طرح حمایت از زنان فرهنگی شاغل سرپرست خانوار، تهران.
- ۱۶- دوست محمدی، قدرت الله، (۱۳۸۲) بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار استان سمنان، کمیته بانوان و جوانان.
- ۱۷- روشندل جلیل و قلی‌پور رافیک، (۱۳۷۸) سیمای زن در جهان، انتشارات برگ زیتون.
- ۱۸- رضایی، فاطمه، (۱۳۸۱) بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی شهرستان خمین، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- ۱۹- زاهدی اصل، محمد، (۱۳۸۱) مبانی رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۰- زاهدی اصل، محمد، (۱۳۸۱) مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۱- سالنامه آماری استان ایلام (۱۳۸۰)، معاونت آمار و انفورماتیک.
- ۲۲- سالاری عباس، (۱۳۷۳)، تأثیر فقدان پدر بر اختلالات رفتاری کودکان مقطع ابتدایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، شهر تهران، دانشگاه علامه
- ۲۳- مشاوره فروزان، اکبر بیگلریان، (۱۳۸۲)، زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها، پژوهش زنان و فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در دوره اول، شماره ۵.
- ۲۴- شجاعی، زهرا، (۱۳۸۳)، برای زنان فردا، مجموعه سخنرانیها و مقالات (جلد ۲)، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- ۲۵- قربانی، فاطمه، (۱۳۸۰) بررسی سیاست‌های اجتماعی پیرامون حقوق زنان مطلقه سرپرست خانواده، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- ۲۶- کریمی، ماندانا، (۱۳۸۴) بررسی نقش عضویت زنان سرپرست خانوار در گروه‌های همیار وضعیت اقتصادی اجتماعی آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۷- کیهان، شماره ۱۹۴۱۱، ۸۸/۴/۲۴
- ۲۸- گزارش آماری (۸۱-۱۳۸۰)، کمیته امداد امام (ره).
- ۲۹- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نشر نی.
- ۳۱- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۳) مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳۱- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) سالنامه آمار کشور، تهران.
- ۳۲- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹) ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان در ایران، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- ۳۳- مرکز آمار زنان (۱۳۸۰) بازیابی در ۱۴۸۸/۲/۲ از <http://www.iranwoman.org>

- ۳۴- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۹)، کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی.
- ۳۵- موسوی، سیدحسین، (۱۳۸۳) مددکاری اجتماعی، تهران: انتشارات تهران.
- ۳۶- نور محمدی، راضیه، (۱۳۸۲) بررسی وضعیت اجتماعی خانوادگی زنان سرپرست خانوار، پایان نامه کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

37- Blumberg R.L. (1988) Income under female Versus Male control Journal of family Issues 9:51-84.

38- Cameron, LA. Et al . (2001), End Cat ion and labor Market participation of women in Asia: Evidence from five Countries, Economic Development and cultural change 49: 460- 477.

39- Fogel, R. W. (1999), catching up with the economy: American Econmice Review 89: 1-21.

40- Foster A – (2000) Catching up with the economy American Economic Review 89:1-21.

41- Schultz, T.P. (1995) Investment in women s Human Capital, Chicago, I L: university of Chicago Press.

42- Strauss J and k Beegle (1996), Intra Household Allocations Msu international Development, Working paper No 62. East lan sing, MI: Michigan state university.

43- World Bank (2001 b), world Development Indicators, Tab. 2.2:50-51.

44- World Bank (2001 a), Engendering Development through Gender Equality in Rights, Resources, and voices new York: world Bank and oxford university Press.

Archive of SID